

مذاکرات نفت ایران و انگلیس و تجدید نظر در قرارداد داری در دوره رضاشاه*

کریم سلیمانی^۱ میکائیل وحیدی راد^۲

چکیده

نفت از جمله مسائل مهم بین ایران و انگلستان در دوره رضاشاه بود. دولت انگلستان قصد داشت مدت زمان قرارداد داری را به مدت شصت سال دیگر تمدید کند و دولت ایران نیز برای تأمین هزینه‌های نوسازی خود، نیاز شدیدی به درآمد حاصل از نفت داشت، و از این رو بر آن بود که تغییری به سود خود در قرارداد داری ایجاد کند. بدین منظور عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه، به عنوان نماینده ایران وارد مذاکرات پیچیده‌ای با شرکت نفت و دولتمردان انگلیس شد تا سهم ایران را افزایش دهد. این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل تاریخی با کمک گرفتن از برخی اسناد منتشر نشده، بر آن است تا ضمن بررسی روند این مذاکرات، به اهداف و همچنین موانع و دستاوردهای نهایی طرفین بپردازد. مذاکراتی که سرانجام به قرارداد نفت ۱۳۱۱ شمسی (۱۹۳۳م) انجامید. واژگان کلیدی: قرارداد داری، رضاشاه، تیمورتاش، شرکت نفت، قرارداد نفت ۱۹۳۳.

Oil debates between Iran and England and revising the Darsi contract in Rezashah Era

Karim Soleimany³ Michael Vahidi Rad⁴

Abstract

Oil was among the profoundest matters between Iran and England during Rezashah era. The British government aimed at extending the Darsi contract for another 60 years, and the Iranian part, on the other hand, desired to manage the contracts to its own benefit in order to increase the financial earnings for which Iran was in urgent need to renew its foundations. Abdolhosein Teymourdash on behalf of the Iranian part entered the complex negotiations with the oil company agents and English authorities in order to improve Iran's portion. Applying the method of historical analysis and using some unpublished documents, this research aims at surveying the negotiations and dealing with the obstacles, goals, and final advantages in the field leading to the oil contract of 1933.

Keywords: The Darsi contract, Rezashah, Teymourdash, Oil Company, The oil contract of 1933.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی * تاریخ دریافت: ۱۳۹۰ / ۱ / ۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰ / ۳ / ۱۸

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی

3. Assistant Professor, Department of History Shahid Beheshti University (Shahid Beheshti University, G.C.,) Email: Soleimany_k@yahoo.com

4. Ph.D Student in History, Shahid Beheshti University.

مقدمه

مهمترین مسأله موجود بین ایران و بریتانیا در دوره رضاشاه، مسأله نفت و مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران بود. مسأله‌ای که به گفته تیمورتاش نهالی نبود که در آستانه کشت باشد، بلکه مسأله، درختی بود که ریشه دوانیده و شاخه‌های حیاتی به خود گرفته بود و قطع آنها بدون تضعیف قطعی درخت و در نتیجه به مخاطره انداختن حیات آن قابل تصور نیست.^۵ مسأله نفت، نگین امتیازات بریتانیا در ایران به شمار می‌رفت، اما از همان آغاز مذاکرات تهران، لندن و لوزان تیمورتاش قصد داشت محدوده امتیازنامه را به منطقه جنوب غربی ایران محدود نماید و بدین ترتیب استخراج نفت در بیرون از این مناطق را به شرکت‌های غیر بریتانیایی واگذار نماید. از سویی وی در تلاش بود تا از نفوذ دولت انگلیس در شرکت نفت ایران و انگلستان نیز بکاهد.^۶ در مقابل برای بریتانیا نیز چندی پیش از جنگ جهانی اول، استفاده از نفت و تضمین بهره‌برداری آتی از آن، بسیار اهمیت داشت. سر موریس هنکی^۷ وزیر جنگ بریتانیا یک سال پیش از آغاز جنگ جهانی اول در این باره چنین نوشت:

«آن اندازه که من از موضوع نفت و مسائل آن سر در می‌آورم، در جنگ بعد نفت جای زغال سنگ را خواهد گرفت و یا حداقل ارزشی همپایه زغال سنگ کسب خواهد کرد، و تنها منبع عظیم و مطمئن نفت برای بریتانیا که می‌تواند آن را کاملاً تحت نظارت خود داشته باشد منابع نفتی ایران و بین‌النهرین است.»^۸

لزوم حل و فصل مسائل معوقه با انگلستان از اولویت‌های کاری حکومت پهلوی در زمان رضاشاه بود. در این میان بحث تجدید نظر در قرارداد داری از جمله مهمترین این مسائل به شمار می‌رفت که دولت انگلستان نیز به شدت به دنبال آن بود. در مقاله پیش رو، مسأله اصلی این است که هدف ایران از ورود به این مذاکرات چه بود و حکومت تازه تأسیس پهلوی با اتکا به چه ابزارهایی و به پشتوانه چه نیروهایی قصد داشت در قرارداد داری به سود خود تغییراتی را ایجاد کند. یکی از مهمترین رجال این دوره، تیمورتاش، وزیر دربار، بود که از جانب دولت ایران در مذاکرات با شرکت

۵. یعقوب آژند و دیگران، اسناد نفت در دوره رضاشاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، اداره کل آرشیو،

اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۵۵.

6. Martin, Vanessa, *Oil in Iran between the two World War, Anglo-Iranian Relations since 1800* (London: Routledge, 2005), p. 130.

7. Sir Maurice Hankey

8. CAB 21 / 119 Hankey to Balfour, August 1, 1918.

در این مقاله صورت مذاکرات کابینه انگلستان به صورت اختصاری CAB (نشانه اختصاری: British Archival Material:

Cabinet Office) و اسناد وزارت آن کشور به صورت FO (نشانه اختصاری: Foreign Office) مشخص شده‌اند.

نفت انگلیس و ایران به طور فعال شرکت داشت. این مقاله با توجه به اسناد و مدارک موجود به نقش تیمورتاش تا پیش از برکناری وی از قدرت در زمستان ۱۳۱۱، می‌پردازد. در نهایت مقاله حاضر در پی آن است تا ضمن بررسی روند این مذاکرات، به دلایل اصلی امضای قرارداد ۱۹۳۳ که چندان موافق با روند مذاکرات نبود، رهنمون شود.

سابقه پژوهشی درباره موضوعات مربوط به عصر پهلوی اول، گرچه در سال‌های اخیر رو به افزایش است، اما در ارتباط با شخص تیمورتاش تحقیقات و پژوهش‌های مستدل بسیار اندک‌اند. به‌خصوص اگر این موضوع در ارتباط با دیپلماسی تیمورتاش باشد، این دست از پژوهش‌ها کمتر نیز خواهد بود.^۹ اما به طور اختصاصی پژوهشی درباره مذاکرات نفت و نقش تیمورتاش در آن صورت نگرفته است و پژوهش حاضر نیز می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای در ارتباط با آن قلمداد شود.

پژوهش حاضر گرچه با تکیه بر اسناد وزارت خارجه انگلستان به رشته تحریر در آمده است؛ اما در کنار آن، اسناد داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. به دلیل ماهیت این گونه از اسناد که مکاتبات بین سفارت آن کشور و وزارت خارجه است، ضمن ارائه تصویری روشن از روند مذاکرات و مواضع طرفین، به دلیل محرمانه بودن، از صراحت و شفافیت خاصی نیز برخوردارند که غالباً در مذاکرات رسمی از بیان چنین مواضعی خودداری می‌شد.

از مهمترین اسناد داخلی منتشر شده مربوط به این پژوهش، کتابی است تحت عنوان اسناد نفت در دوره رضاشاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳) که از سوی اداره آرشیو اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری انتشار یافته است. این کتاب حاوی ۱۳۰ سند استخراج شده از بایگانی وزارت دربار پهلوی اول و بسیار ارزشمند و گره‌گشاست و بدلیل اینکه شامل نامه‌نگاری‌های تیمورتاش با مقامات وزارت خارجه انگلستان و مدیران شرکت نفت است، در ارتباط مستقیم با موضوع این نوشته بوده و حائز اهمیت است.

اعطای امتیاز داری

اعطای امتیاز نفت در سال ۱۳۱۹ قمری (۱۹۰۱ م) توسط مظفرالدین شاه به ویلیام ناکس داری^{۱۰}

۹. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با دیپلماسی تیمورتاش می‌توان به این موارد اشاره کرد: غلامحسین زرگری‌نژاد «تیمورتاش: قربانی منافع ایران در خلیج فارس»، مجله تاریخ، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۴ (اسفند ۱۳۸۴)، ص ۱۴۰-۱۱۹؛ حسین آبادیان «عبدالحسین تیمورتاش و روابط خارجی ایران بر اساس اسناد نو یافته»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳، پیاپی ۶۱/۵ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۲۲-۱.

واگذار شد و شرایط آن به صورت انحصار اکتشاف، استخراج، حمل و نقل، پالایش و صدور نفت به مدت ۶۰ سال بود. هنگامی که امتیاز نفت به داریسی داده شد دولت انگلیس ادعا نمود که دخالتی در تحصیل امتیاز مزبور نداشته است ولی گفته‌ها و نوشته‌های دیپلمات‌های انگلیسی این ادعا را باطل می‌سازد.^{۱۱}

با وقوع جنبش مشروطه در ایران، اگر چه واگذاری هر امتیازی منوط به امضا و تأیید مجلس شد^{۱۲} و در دوره اول مجلس شورای ملی در مورد این امتیاز بحث شده و یک کمیسیون شش نفره تحقیق نیز برای بررسی این امتیازنامه تشکیل شد،^{۱۳} ولی به توپ بستن مجلس (۱۳۲۶ ق) مانع از اقدام نمایندگان علیه این امتیازنامه گشت.

در آستانه شروع جنگ جهانی اول، اهمیت نفت برای دولتمردان بریتانیا بیشتر از گذشته مشخص شد. چرا که در این زمان تبدیل سوخت کشتی‌های جنگی از زغال سنگ به نفت آغاز شده بود و بهترین منطقه برای بریتانیا در کسب این ماده ارزشمند همانا ایران بود. به همین دلیل بود که وینستون چرچیل،^{۱۴} به عنوان اولین وزیر در یاداری آن کشور، در اکتبر ۱۹۱۳ کمیسیونی برای بررسی وضعیت نفت ایران به آن کشور اعزام کرد که گزارش‌های امیدوارکننده‌ای ارائه کرد.^{۱۵} از سویی چون در این هنگام شرکت نفت با مشکلات مالی عیدیه‌ای روبرو بود، دولت بریتانیا تصمیم گرفت سرمایه لازم جهت توسعه فعالیت‌های آن شرکت را تأمین نماید.^{۱۶} در قدم بعد با پافشاری‌های آدمیرال لرد فیشر^{۱۷} و دوست نزدیک وی وینستون چرچیل، لایحه‌ای در پارلمان آن کشور به تصویب رسید که بر اساس آن دولت بریتانیا با خرید ۵۱ درصد^{۱۸} از سهام شرکت نفت به ارزش ۲/۲۰۰/۰۰۰ لیره، تنها چند ماه قبل از آغاز جنگ جهانی اول، کنترل این شرکت را به دست گرفت.^{۱۹} بر اساس همین قرارداد دولت انگلستان حق انتصاب دو تن از اعضای هیئت مدیره را که

۱۱. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸)، ص ۲۵۳.

۱۲. اصل بیست و چهارم قانون اساسی مشروطه: «بستن عهدنامه‌ها و مقاوله نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد.»

۱۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول تقنینیه (تهران: ضمیمه روزنامه رسمی، ۱۳۲۴)، مورخ یکشنبه ۵

ذیحجه ۱۳۲۴، ص ۵۷-۵۶.

14. Winston Leonard Spencer-Churchill

15. Anton Mohr, *The oil war* (New York: Harcourt, Brace and Company, 1926), pp. 122-123.

16. William Bryan, *The economics of the anglo-iranian oil dispute* (Madison: university of Wisconsin, 1957), p. 41.

17. Admiral Lord Fisher

۱۸. برابان آن را پنجاه و سه درصد بیان می‌کند: Bryan, p. 42

19. Leonard Mosley, *Power play, The Tumultuous World of Middle East Oil 1890-1973* (London: Willmer Brother, 1973), p. 16.

از حق و تو نیز برخوردار بودند به دست آورد.^{۲۰}

ورود دولت انگلستان به شرکت نفت و مداخله مستقیم آن دولت در کار شرکت، موضع ایران را در مسأله نفت جنوب تغییر داد. زیرا دولت ایران که تا قبل از این با شرکتی بازرگانی سروکار داشت، بعد از خرید اکثریت سهام به وسیله دولت انگلستان، با دولتی مقتدر که خود را بازرگان قلمداد می نمود دست به گریبان و طرف معامله شد. به همین دلیل پس از انجام این عمل دیگر معلوم نبود که آیا دارنده این امتیاز که خود مصرف کننده عمده آن بود، مایل است نفت ایران را به قیمت نازل تولید و خریداری کند و یا اینکه می خواهد منافع حقیقی آن را معلوم سازد تا دولت ایران هم از آن بهره مند شود؛ از این رو، منافع متضادی با دولت ایران داشت.^{۲۱} از سویی در ایران نیز با گذشت سال ها، اهمیت و ارزش نفت به تدریج روشن و با سپری شدن جنگ جهانی، کم کم مخالفت با قرارداد داری شروع شد. چرا که خرید سهام این شرکت توسط دولت بریتانیا، به تسلط آن کشور بر ایران تعبیر می شد. از سویی بر اساس مفاد قرارداد، ایران صاحب ۱۶ درصد از سود خالص شرکت نفت و تمام شرکت هایی که تأسیس می شد، بود^{۲۲} و این در حالی بود که وزارت دربار بریتانیا با امضا قراردادی با شرکت نفت انگلیس و ایران، نفت مورد نیاز خود را به قیمت بسیار کم - بر اساس قرارداد با نرخ ثابت و برای مدت ۳۰ سال - از این شرکت خریداری می کرد و از این جهت نیز ایرانیان متضرر می شدند. اما به دلیل اینکه دولت های ایران در این زمان از ثبات و قدرت چندانی برخوردار نبودند، مخالفت جدی با شرکت صورت نگرفت. شرکت نفت نیز با اطلاع از وضعیت نابسامان کابینه های ایران و با استفاده از موقعیت ممتاز مدیران بریتانیا در رأس تصمیم گیری و مدیریت شرکت و از طریق حساب سازی ها، سود بسیار کمتری از آنچه که در قرارداد (۱۶ درصد سود خالص) پیش بینی شده بود، به ایران پرداخت می کرد. این در حالی بود که این امتیازنامه در عصر خود به عنوان یکی از بزرگترین قراردادهای تجاری به شمار می رفت. برای مثال فقط در سال ۱۳۰۷ درآمد این شرکت با تولید ۵/۴۶۰/۹۵۵ تن نفت خام، بدون محاسبه

20. Vanessa Martin, *Oil in Iran Between the two world war, Anglo-Iranian Relations since 1800* (London: Routledge, 2005), p. 128; In addition, Bryan, p. 42.

۲۱. منوچهر فرمانفرمایان، *از تهران تا کاراکاس، نفت و سیاست در ایران* (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۳)، ص ۴۷۲.

۲۲. فصل دهم امتیازنامه داری: «بین صاحب امتیاز از یک طرف و شرکتی که تشکیل کند از طرف دیگر قرار داده خواهد شد که یک ماه بعد از تاریخ تأسیس رسمی شرکت اول، صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره دیگر اسهام پرداخته شده به دولت علیه بدهد. علاوه بر آن، آن شرکت و تمام شرکت های که تأسیس خواهد شد، مکلف خواهند بود که از منافع خالص سالیانه خود، صدی شانزده به دولت علیه سال به سال کارسازی نمایند.» کتاب سفید - تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، با پیش گفتاری از محمدرضا پهلوی و منوچهر اقبال (تهران: شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴)، ص ۲-۴.

درآمد ناشی از محصولات جانبی بعد از تصفیه در پالایشگاه آبادان و بعد از کسر هزینه‌های مربوط به بهره‌برداری، اکتشاف، توسعه و استهلاک و همچنین کسر ۱۶ درصد سود خالص ایران، مبلغی در حدود ۵/۲۰۶/۷۶۱ لیبره استرلینگ بر آورد شد.^{۲۳} بنابراین طبیعی بود که ایرانیان نیز از این منبع خدادادی کشورشان سهم بیشتری را طلب نمایند. چرا که منافع حاصل از این امتیاز در زندگی ایرانیان، جز در میان عوامل رده بالای خود شرکت و در شهرهایی که به هفت خواهران^{۲۴} شهرت داشتند و شرکت نفت پایه‌گذار آنها بود، تأثیری نداشت.

از سویی درآمدهای ایران نیز در این دوره بسیار ناچیز بود و تنها درآمد داخلی قابل اعتنا مالیات‌هایی بود که حکومت از مردم دریافت می‌کرد. بنابراین حق‌الامتیاز دریافتی از شرکت نفت مطمئن‌ترین و عملاً تنها درآمد خارجی ایران به شمار می‌رفت.

اهمیت نفت ایران برای بریتانیا

بر اساس قرارداد داریسی تأمین امنیت مناطق نفت‌خیز، کارمندان و اسباب و وسایل متعلق به شرکت، بر عهده دولت مرکزی ایران بود.^{۲۵} اما در عمل دولت بریتانیا با وارد کردن قدرت‌های محلی مانند رؤسای محلی بختیاری و شیخ خرمشهر (محمره) شرکت نفت را به هر نحوی از نظارت دولت ایران خارج کرده بود. دولت بریتانیا با رؤسای محلی قراردادهای رسمی نیز منعقد کرده و برای جلب همکاری بختیاری‌ها حدود سه درصد از سود خالص نفت تولیدی از مناطق آنها را به ایشان پرداخت می‌کرد. شیخ خزعل نیز به صورت نقد مبالغی دریافت می‌کرد و در شرکت نفت دارای سهام بود. همچنین علاوه بر اجاره‌بهای زمین، از رشد فزاینده تجارت در قلمرو خود نیز برخوردار می‌شد.^{۲۶}

پس از جنگ جهانی اول، دریاسالاری بریتانیا در سال ۱۹۲۰ با انتشار یادداشتی، اهمیت حفاظت و تأمین امنیت مناطق و حوزه‌های نفتی را گوشزد و تأکید کرد که تولید نفت کافی هم برای وزارت

23. Miron Rezun, *The Soviet Union and Iran, soviet policy in Iran from beginning of the pahlavi dynasty until the soviet invasion in 1941* (Geneva: Sijthoff & Noordhoff international publication, 1980), p. 226.

۲۴. شامل امیدیه، آغاچری، هفتکل، نفت سفید، گچساران، لالی و نفت شهر.

۲۵. فصل چهاردهم قرارداد داریسی: «دولت علیه متعهد می‌شود که اقدامات لازمه را در حفظ امنیت و اجرای مقصد این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکور در فوق به عمل آورد و کذاک نماینده‌ها و اجزای علمی و کلای شرکت را در تحت حمایت مخصوصه خود گیرند و چون دولت علیه این تکالیف خود را ادا کرد، صاحب امتیاز و شرکت‌های تشکیل شده دیگر به هیچ اسم و رسم، حق مطالبه خسارت از دولت علیه ندارد.» کتاب سفید - تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، ص ۴.

26. CAB 16 / 54 Committee For Imperial Defense Sub-Committee, Report 227-C, February 25, 1924.

دریاداری و هم برای اهداف تجاری یک نیاز حیاتی است. در شرایط کنونی نیز مناطق نفتی ایران بزرگترین و در عین حال ارزان ترین حوزه‌ای است که دریاداری می‌تواند نیازهای خود را از آنجا تأمین کند.^{۲۷} اگرچه در همان زمان اقدام جدی در راستای درخواست دریاداری صورت نگرفت، ولی چندی بعد در خردادماه ۱۳۰۱ فرماندهی نیروی هوایی بریتانیا، مستقر در بین‌النهرین مأموریت یافت تا از حوزه‌های نفتی جنوب ایران نیز حفاظت کند.^{۲۸}

با درک اهمیت نفت بود که در سال ۱۳۰۳ در لندن تصمیم به تأسیس کمیته‌ای مجزا گرفته شد تا مسأله نفت و حفاظت از مناطق نفتی را به صورت کلی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. ریاست این کمیته نیز بر عهده اولیفانت،^{۲۹} دبیر شرقی وزارت خارجه بریتانیا، بود که در جلسه‌ای با شرکت سایر اعضا یکی از دلایل اهمیت حفاظت از مناطق نفتی در ایران را تغییر اوضاع در آن کشور و نخست وزیری رضاخان عنوان کرد که به دنبال تدارک یک نیروی نظامی یکپارچه و متحد بود و قصد داشت حفاظت از مناطق نفتی را دولت مرکزی به دست گیرد. در این نشست وزیر مختار بریتانیا در ایران، لورن، اعلام کرد که رضاخان به وی اطلاع داده تا به محض مطیع کردن قبایل لرستان، وی قصد دارد نیروهای نظامی دولت را در میادین نفتی مستقر کند. این برای لورن، معنایی جز برخورد دولت مرکزی ایران با ناآرامی‌های محلی نداشت و در صورت شکست نیروهای دولتی ایران از قوای محلی، که محتمل نیز به نظر می‌رسید، ضرورت دخالت نیروهای بریتانیا احساس می‌شد. ولی دخالت نیروهای بریتانیایی نیز در صورتی امکان‌پذیر بود که از سوی شهروندان بریتانیایی مسئول ساکن در ایران، درخواستی برای مداخله اعلام می‌شد. چرا که در غیر این صورت، شوروی نیز نیروهای خود را وارد شمال ایران می‌کرد.^{۳۰}

اهمیت نفت ایران برای بریتانیا بسیار زیاد بود، گذشته از ارزانی آن، نیروی دریایی بریتانیا برای عملیاتی نگاهداشتن ناوگان خود در شرق به منابع نفتی ایران وابسته بود و هرگونه توقف در عملیات نیروی دریایی می‌توانست خطر حمله به هند را در پی داشته‌باشد. به همین دلیل بود که این کمیته در نتیجه‌گیری نهایی خود توصیه کرد که در صورت نیاز و با مشاهده ناتوانی نیروهای نظامی ایران در مواجهه با نا آرامی‌ها، دولت بریتانیا بایستی بنا به درخواست وزیر مختار، نیروی کافی از هند به منظور تقویت نیروهای ایرانی اعزام کند و فرماندهی عملیات نیز به عهده فرماندهی عالی نیروی هوایی در

27. CAB 24 / 117 Admiralty Memorandum For the CAB, Cp 2377, December 24, 1920.

28. FO. 371 / 9051 Lorain to Curzon, July 16, 1923.

29. Oliphant

30. CAB 19 / 54 Minute of First Meeting Of Committee of Imperial Defence , Committee on the Protection of the South Persian Oil Fields, May 29, 1924.

عراق واگذار شود.^{۳۱} این دستورالعمل کمیته در دوره مورد بررسی این پژوهش کاملاً رعایت می‌شد، اگرچه شرایطی پیش نیامد تا دولت بریتانیا این طرح خود را عملاً به مرحله اجرا گذارد. اما در سال ۱۳۰۴ به دنبال تغییراتی که در مناطق نفت‌خیز ایران به وقوع پیوست، دولت بریتانیا مجبور شد قدمی در جهت حفظ منبع حیات خود در ایران بر دارد.

لغو قرارداد داریسی

در ششم آذرماه ۱۳۱۱ و بدون اطلاع قبلی، نامه‌ای از طرف وزیر مالیه ایران مبنی بر الغای یک طرفه قرارداد داریسی، به شرکت نفت انگلیس و ایران تحویل داده شد.^{۳۲} این اقدام دولت ایران به منزله شوکی بود که بر مذاکرات وارد شد، چرا که در این زمان یک سری مذاکرات جهت انجام تغییراتی به سود ایران در قرارداد داریسی در جریان بود. وزیر مختار بریتانیا در تفسیری از این اقدام ایران، این عمل رضاشاه را به دلیل از سرگیری دوباره جنگ مطبوعاتی در داخل ایران علیه قرارداد گزارش کرد.^{۳۳}

علت اصلی اقدام ایران در لغو قرارداد داریسی به هیچ وجه «جنگ مطبوعاتی» صرف نبوده است. برای پی بردن به علل این حادثه بایستی به گذشته و به اواخر جنگ جهانی اول توجه کرد. در آن زمان، شرکت نفت حوزه عمل خود را، نه فقط در ایران بلکه در خارج نیز گسترش داده و شرکت‌های اقماری بیرون از مرزها تأسیس کرده بود. بر اساس قرارداد داریسی ۱۶ درصد از سود خالص این شرکت‌ها به ایران تعلق داشت. اما محاسبه این ۱۶ درصد سود نیز در اختیار خود شرکت بود و حساب‌سازی‌های گوناگون باعث می‌شد تا شرکت سود بسیار ناچیزی را به ایران پرداخت کند.^{۳۴} چرا که در رأس هرم مدیریت شرکت فردی از طرف دولت بریتانیا حضور داشت و ایرانیان در هیئت مدیره شرکت نیز هیچ سهمی نداشتند. از سوی دیگر با تأسیس شرکت‌های خارج از ایران، دولت ایران عملاً نمی‌توانست بر منافع حاصل از آن شرکت‌ها نیز ادعایی داشته باشد. در سال ۱۹۱۹ نیز شرایط به مرحله بحرانی رسیده بود و مذاکرات در لندن بین فیروزمیرزا، وزیر امور خارجه وقت ایران،

31. CAB 16 / 54 Report of Committee for Imperial Defence Sub-Committee on Protection of South Persian Oil Fields, July 7, 1924.

32. FO. 371/ 16080 For the Text of Taqizadeh`s Letter, see Minister of Finance to APOC, November 27, 1932.

33. FO. 37 / 16078 Hoare to Foreign Office, November 28, 1932.

34. Alan W. Ford, *The Anglo-Iranian Oil Dispute Of 1951-1952, a study of the Role of law in the Relations of States* (London: Cambridge University Press, 1954), p. 17.

به همراه مشاور مالی وی، ویلیام مک لین توک^{۳۵} با نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران انجام گرفت و طی دو سال بدون نتیجه پایان یافت.^{۳۶}

متعاقب آن آرمیتاژ اسمیت^{۳۷} مستشار مالی ایران، به منظور انجام توافقات تکمیلی در ۷ شهریور ۱۲۹۹ راهی لندن شد. تا از طرف دولت ایران ادامه مذاکرات را برعهده گیرد. بر اساس منابع انگلیسی وی از طرف وزیر مالیه ایران دارای اختیارات کامل برای انجام مذاکرات بود^{۳۸} و این در حالی بود که ایرانیان بعدها منکر این اختیارات وی شده و توافقات انجام گرفته توسط وی را به دلیل همین عدم اختیارات، بی اعتبار اعلام کردند. مذاکرات طولانی آرمیتاژ و شرکت نفت در لندن در نهایت در اول دی ماه ۱۲۹۹ منجر به امضا قراردادی شد که به قرارداد آرمیتاژ اسمیت مشهور است. بر اساس این توافقنامه، مسأله حق الامتیاز مورد منازعه بین طرفین حل شد و شرکت نفت پذیرفت جهت حل و فصل دعوی ایران در ارتباط با حق الامتیاز مبلغ یک میلیون لیره به ایران پرداخت کند. علاوه بر آن شرکت نفت و ایران و انگلیس متعهد شد مقدار ۱۶ درصد سود ایران را در هر شرایطی، چه تولید و تصفیه نفت در ایران صورت گیرد و چه نگیرد، به ایران بپردازد. در نهایت نیز در این توافقنامه مبنای محاسبه ۱۶ درصد سود ایران نیز مشخص شد.^{۳۹} بدین ترتیب بود که به صورت موقتی مسأله نفت حل شد.

اما دولت ایران از پذیرش این موافقتنامه خودداری و آرمیتاژ اسمیت را متهم به سوءاستفاده از اختیارات خود کرد. باوجود این، همین قرارداد تا زمانی که رضاشاه قرارداد داری را لغو کرد مبنای اصلی محاسبه دریافت حق الامتیاز ایران از شرکت نفت به شمار می رفت و به صورت غیررسمی پذیرفته شد.^{۴۰}

رضاشاه و مسأله نفت

سر جان کدمن به نمایندگی از شرکت نفت در مراسم تاجگذاری رضاشاه حضور یافت و در همانجا خطاب به لورن، نسبت به تصویری که ایرانیان در ذهن خود از شرکت نفت دارند، ابراز نگرانی کرده

35. William McLintook

36. FO. 371/ 16078 Note on Armitage-Smith Agreement , Foreign Office , October 19, 1932

37. Armitage Smith

38. FO. 371/ 16933 Jackson Memorandum, January 17, 1933.

39. FO. 371/ 16078 Note on Armitage-Smith Agreement, October 19, 1933.

۴۰. علی اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات (تهران: انتشارات پروین و انتشارات

از بی‌اعتمادی عمومی ایرانیان سخن به میان آورد. در ادامه نیز متذکر شد که ایرانیان همچنان از سیستم محاسبه حق‌الامتیاز ناراضی و خواهان افزایش درآمد خود از این منبع و در نتیجه بازنگری کلی در اصل قرارداد هستند.^{۴۱} وی در گفتگو با تیمورتاش نیز لزوم تجدید مدت زمان قرارداد را بیان کرد و افزود که سرمایه‌گذاری بیشتر شرکت نفت در ایران مستلزم تمدید مدت زمان امتیازنامه است.^{۴۲}

با توجه به تداوم نارضایتی دولت ایران در همین موضوع، عیسی‌خان فیض، کمیسر ایران در شرکت نفت اعلام کرد که توافقات انجام گرفته بین شرکت نفت و آرمیتاژ اسمیت فاقد اعتبار است، چرا که وی از حدود اختیارات خود تجاوز کرده^{۴۳} و از سویی این موافقتنامه به تأیید مجلس نیز نرسیده است.^{۴۴} اگرچه نظرات مشابهی نیز در این زمینه از سوی تیمورتاش ابراز شد، اما دولت ایران هیچ اعتراض رسمی در این باره به شرکت نفت تسلیم نکرد و به صورت غیر رسمی این موافقتنامه را مبنای رابطه خود با شرکت نفت قرار داد.

تا زمان لغای قرارداد داری مطبوعات ایران نیز هر از گاهی نسبت به آن اعتراضاتی می‌کردند، تا اینکه در پائیز سال ۱۳۰۷ وزیر مختار بریتانیا در ایران در گزارش خود به وزارت خارجه نوشت که رضاشاه در سخنانی ضمن کهنه خواندن قرارداد ایران و شرکت نفت خواستار انجام تغییراتی در آن شد.^{۴۵} تیمورتاش نیز در همین ارتباط چنین نوشت: «ما خواهان ترتیباتی در شرکت نفت هستیم که با توسل به آن حس کنیم در شرکت نفت منافع مشخصی داریم، طوری که هر شلینگ بدست آمده بین ما و شرکت نفت به مساوی تقسیم شود.»^{۴۶}

هدف تیمورتاش از مهمترین مذاکرات خود با بریتانیا، سهام‌دار کردن دولت ایران در شرکت نفت بود؛ وی از این مورد به عنوان «مسأله بسیار مهم» یاد کرد. مطلبی که تیمورتاش در جریان مسافرت تیرماه ۱۳۰۷ خود در لوزان به سر جان کدمن نیز ابراز داشت و علاوه بر آن خواهان دریافت به ازای هر تن تولید حق‌الامتیازی شد^{۴۷} و در پایان نیز مسأله «تعیین حدود جغرافیایی»

41. FO. 371 / 11476 Lorain to Oliphant, June 1, 1926.

42. Benjamin Shwadran, *The Middle East, Oil and the Great Powers* (Jerusalem: Israel university press, 1974), p. 37.

۴۳. دولت ایران در مشاوره با یک موسسه حقوقی انگلستان به نام لوملی لوملی، توانست موارد تخلف آرمیتاژ را به اثبات

برساند.

44. FO. 371 / 16078 Codman to Foreign Office, October 19, 1932.

45. FO. 416 / 113 Clive to Henderson, July 14, 1929.

46. Ibid

را به میان آورد و تمدید دوره امتیازنامه را منوط به پذیرش این درخواست‌های ایران، به‌ویژه بحث سهام‌دار کردن ایران در شرکت نفت کرد.^{۴۸} سر جان کدمن نیز در پاسخ به تیمورتاش این درخواست ایرانیان را «متحول کننده» خوانده، موافقت با آن را بسیار دشوار تلقی کرد^{۴۹} و ابراز امیدواری نمود که در طی مذاکرات آتی به یک تفاهم مورد قبول طرفین نائل آیند. تیمورتاش نیز در پاسخ وی نوشت که هدف بنده تحول کلی در نظم موجود نیست، به روش یک جراح عمل می‌کنم که بعد از تشخیص مرض، به سود بیمار اقدام می‌کند نه اینکه به خیال انسان دوستی و برای این که عمل جراحی را سریع انجام دهد، به قطع اعضا متوسل شود و از شرایط سوء استفاده کند. تیمورتاش در ادامه نامه و با اطلاع از قصد شرکت نفت برای توسعه فعالیت‌های خود در ایران، برای اینکه شرکت نفت را برای رسیدن به یک تفاهم جدید که تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد، با اشاره به مدت زمان باقی مانده از امتیازنامه چنین می‌نویسد:

درخت مورد بحث یک درختی است که ۲۸ سال از عمر آن سپری شده و این درخت زیبا و تنومند، مملو از شیره حیاتی است که ۳۲ سال دیگر نیز زنده خواهد ماند. اما نه بیش از آن. در صورت تهیه سرمایه‌های ضروری برای رشد و توسعه کامل درخت و رشد طولی هرچه بیشتر ریشه‌های آن، فکر نمی‌کنید که ریشه‌های مذکور ممکن است به تخته سنگی برخورد کند؟^{۵۰}

تیمورتاش همچنین با توسل به افکار عمومی خواهان ایجاد یک امتیازنامه جدیدی شد. که مشتمل بر مسائل جاری بین طرفین بوده و بتواند جایگزین امتیازنامه قدیم گردد. با توجه به اهمیت مسأله، سر جان کدمن، رئیس وقت شرکت نفت برای انجام مذاکراتی با ایرانیان وارد تهران شد و تیمورتاش را از سفر خود آگاه کرد. وی با مقامات بلندپایه ایران، از جمله رضاشاه و تیمورتاش، در ارتباط با نفت و تجدید نظر در قرارداد داری وارد مذاکره شد. که به دلیل محرمانه بودن این مذاکرات، انعکاسی در روزنامه‌ها نداشت. از سویی وزارت خارجه بریتانیا نیز خود را در این مرحله از مذاکرات کنار کشیده بود و نقش یک ناظر را بر عهده داشت.^{۵۱} در این دور از مذاکرات موارد ذیل مورد پذیرش مقدماتی طرفین قرار گرفت:

۱. اعطای امتیاز جدیدی به شرکت که در آن مدت قرارداد تا سال ۱۳۶۸ تمدید می‌شود.

۴۸. همان، ص ۵۷.

۴۹. همان، سند شماره ۱۵ مکاتبه سرجان کدمن با تیمورتاش ۲۴ آبان ۱۳۰۷.

۵۰. همان، ص ۶۲.

۲. در مقابل اعطای ۱۶ درصد حق‌السهم به ایران بر اساس قرارداد داری، دولت ایران به همان نسبت از سهام کل شرکت (شرکت‌های داخل در ایران و بیرون از آن) برخوردار می‌شود، تا براساس آن نماینده‌ای با حق رأی در هیئت مدیره داشته باشد. علاوه بر آن ایران از هر تن نفت تولیدی نیز مبلغی دریافت خواهد کرد.

۳. شرکت در ازای پرداخت مبلغ مشخصی، از پرداخت مالیات سالیانه به دولت ایران، معاف خواهد شد.

۴. از حوزه عملیاتی شرکت به صورت تدریجی، ولی به مقدار قابل توجهی کاسته خواهد شد.^{۵۲} این در حالی بود که تیمورتاش برای کسب ۲۵ درصد از سهام شرکت به همراه دو شلینگ برای هر تن نفت تولیدی، پافشاری نشان می‌داد. بنابراین اگرچه طرفین در پاره‌ای از موارد به توافقاتی دست یافتند، ولی هیچ‌گونه تفاهم نامه‌ای در ارتباط با حق‌الامتياز امضا نشد. چرا که اعضای هیئت مدیره شرکت معتقد بودند نمی‌توانند سهامداران خود را با خواست‌های ایران همسو نمایند، به همین دلیل مذاکرات طرفین در پاییز ۱۳۰۹ بدون حصول نتیجه قطعی به پایان رسید. اگرچه تیمورتاش سعی کرد با ارتباط دادن مذاکرات شرکت نفت با مذاکرات کلی با دولت بریتانیا از آن به عنوان اهرم فشاری استفاده کند، ولی شرکت از انجام مذاکرات بیشتر امتناع ورزیده و مذاکرات به حالت تعلیق در آمد.

ادامه مذاکرات طرفین تا سال ۱۳۱۰ بدون انتشار هیچ‌گونه گزارشی درباره آنها ادامه یافت و در این میان روزنامه‌های تهران نیز علیه شرکت نفت اقدام به انتشار مقالاتی می‌کردند که سفارت بریتانیا انتشار این مقالات را به تحریک تیمورتاش می‌دانست که البته مدت زمانی بعد متوقف شد.^{۵۳}

در ۱۱ فروردین ۱۳۱۰ تیمورتاش با ارسال نامه‌ای به شرکت نفت، ضمن اظهار علاقه به از سرگیری مذاکرات به اطلاع آنان رساند، در صورتی که شرکت نفت با برخی از درخواست‌های ایران همراهی نشان دهد، تأیید امتیاز جدیدی از سوی ایران با مشکلی مواجه نخواهد شد و در ادامه نیز نکته مورد نظر خود را به شرکت ارائه کرد که برخی موارد آن به شرح زیر بود:

۱. کاهش محدوده تحت امتیاز شرکت نفت

52. *Memorandum Reviewing Negotiations between the Company and the Persian Government Concerning Revision of the Concession and Royalty from April 1929 to May 1932* (London: Anglo-Persian Oil Company Limited, January 8, 1933), p. 11.

53. FO. 416/ 113 Hoare to Foreign Office, June 12, 1932.

۲. الغای انحصار شرکت نفت بر نصب و اداره لوله‌های نفت
 ۳. تعیین نحوه پرداخت حق السهم به ایران و شراکت ایران در عملیات شرکت نفت به عنوان یکی از سهام داران آن شرکت تا از عواید شرکت‌های خارج از ایران نیز بهره مند شود.
 ۴. ترتیباتی جهت تولید بیشتر نفت که براساس آن درآمد ایران از حق‌الامتیاز و سود سهام کمتر از ۲/۸۰۰/۰۰۰ لیره در سال نباشد.
 ۵. حل مسأله مالیات بر شرکت نفت مطابق با قوانین داخلی ایران
 ۶. افزایش تولید نفت برای مصرف داخلی ایران با نرخ مناسب، از طریق احداث پالایشگاه در ایران.
 ۷. حل سریع مسأله مطالبات گذشته ایران، با توجه به نیاز ایران به آن
- اما درخواست‌های تیمورتاش از نظر مدیران شرکت غیر قابل پذیرش بود و آنها را اساساً در تضاد با اصل قرارداد می‌پنداشتند؛ به همین دلیل به طور کلی مذاکرات را پایان یافته تلقی کردند.^{۵۴}
- مدیران شرکت نفت که با پیشنهادهای تیمورتاش به هیچ وجه موافقتی نداشتند، خود را از مذاکرات بیرون کشیده و موضوع را به جکز^{۵۵} مدیر عامل کمپانی در تهران واگذار کردند تا این موارد را با تیمورتاش حل و فصل کند. در تیرماه، تیمورتاش در دیدار با جکز دوباره مسأله مالیات بر درآمد را مطرح و بیان کرد؛ چنانچه شرکت نفت ۲۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران بپردازد، وی نیز تضمین خواهد کرد که این مبلغ تا هشت سال آتی تغییری نیابد. جکز نیز اعلام کرد پیشنهادهای قبلی وی ادامه گفتگوها را با مشکل مواجه کرده است و اگر وی از موضوع سهام چشم‌پوشی نکند، امیدی به از سرگیری آن نمی‌رود. تیمورتاش نیز در پاسخ به وی ابراز داشت که هدف ایران بازنگری در قرارداد نیست ولی بایستی بر اساس همین قرارداد نیز به تمام حق و حقوق خود دست یابد. در ادامه نیز با ذکر مجدد حق‌الامتیاز، اضافه کرد که مبلغ آن بایستی کمتر از ۲/۵۰۰/۰۰۰ لیره در سال باشد و چون بر اساس قرارداد داری سهم ایران ۱۶ درصد از سود خالص شرکت نفت بود، تیمورتاش خواهان نظارت کامل ایران بر هزینه‌ها و درآمدهای شرکت شد و در نهایت خاطر نشان شد که شرکت بایستی در خارج از ایران فعالیتی انجام دهد که بر خلاف منافع ایران است. جکز نیز با ابراز تعجب از سخنان تیمورتاش اعلام کرد، وی فکر می‌کند ایران بر اساس قرارداد داری به تمام حق و حقوق خود رسیده است.^{۵۶} با این سخنان تیمورتاش، دور چهارم مذاکرات طرفین نیز

54. FO. 371 / 16933 Concession Revision and Royalty Negotiations, APOC, April 1929-May 1932. p. 4.

55. T.L. Jacks

56. FO. 371 / 16933 Concession Revision and Royalty Negotiations, APOC, April 1929-May 1932. p. 4.

بدون حصول نتیجه خاتمه یافت.

در ۱۵ تیر ماه ۱۳۱۰ کدمن با مشاهده نظرات تیمورتاش و اصرار وی بر افزایش حق الامتیاز ایران، مسأله مالیات بر شرکت و نظارت ایران بر اقدامات و عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران، طی نامه مفصلی خطاب به وی، ضمن توصیف شرایط نامساعد فروش نفت در جهان که باعث شده شرکت قیمت نفت تولیدی خود را پائین بیاورد، بیان کرد به خاطر بنیه قوی شرکت نفت بوده که توانسته در طی دوره رکود، سربلند بیرون آید؛ بنابراین لازم بود که در این شرایط موارد اختلافی «معقولانه و منصفانه» مطرح و بررسی می‌شد. در ادامه نیز با نامساعد خواندن شرایط برای تداوم مذاکرات، اعلام کرد که تجدید نظر در قرارداد امکان پذیر نیست.^{۵۷}

علت مخالفت‌های شرکت نفت با درخواست‌های تیمورتاش نیز مشخص است. از یک طرف تیمورتاش خواهان نظارت ایران بر هزینه‌ها و درآمدهای شرکت نفت انگلیس و ایران بود و این بدان معنا بود که دیگر امکان حساب‌سازی برای مدیران شرکت وجود نداشت، در حالی که شرکت نفت از طریق محاسبه هزینه‌های شرکت‌های اقماری خارج از ایران در کل هزینه‌های خود، سود پرداختی ایران را به حداقل می‌رساند، اما خود شرکت نفت از درآمدهای آن شرکت‌های اقماری نیز بهره‌مند می‌شد. در بحث پرداخت مالیات نیز تیمورتاش به خوبی از این امر آگاه بود که مالیات پرداختی شرکت نفت به دولت بریتانیا چندین برابر آن مبلغی است که ایران از جهت حق الامتیاز دریافت می‌کند، لذا وی نیز بحث پرداخت مالیات به دولت ایران را به میان آورد. از سویی خواهان کاهش مناطق تحت امتیاز نیز بود.

وزیر مختار بریتانیا در ایران، سر رجینالد هوآر^{۵۸} در گزارش خود به وزارت خارجه نوشت که تیمورتاش از نامه کدمن برافروخته شده و گفتگوی تندی بین او و جکز در گرفته است و تیمورتاش دوباره متذکر شده که از نظر دولت ایران موافقتنامه آرمیتاژ فاقد اعتبار است و وی آن را به حکمیت خواهد گذاشت. در ادامه نیز از فعالیت‌های شرکت در خارج از ایران گله نموده‌است اما بر اعتبار قرارداد داریسی صحه گذاشته و آن را به مثابه قانونی تلقی کرده که هر دو طرف بایستی آن را رعایت کنند. لذا هرگز اعتبار این قرارداد زیر سوال نرفت. در ادامه نامه هوآر نیز بر این نکته تأکید کرد که اعتبار این قرارداد از سوی ایران به چالش کشیده نشده و نخواهد شد، چرا که این قرارداد برای ایرانیان همانند یک «سند مقدس» است.^{۵۹}

57. Ibid

58. Sir Reginald Hoare.

59. Ibid

اندک زمانی پس از این اتفاقات تیمورتاش عازم اروپا شد و در آنجا نیز مذاکراتی بین طرفین صورت گرفت. کدمن و تیمورتاش موافقت کردند تا حد ممکن بدون رجوع به موافقتنامه آرمیتاژ، که باعث ایجاد سوء تفاهماتی بین طرفین شده بود، مذاکرات تجدید نظر در قرارداد را به پیش ببرند. ایران خواهان حضور یک نفر ایرانی در هیئت مدیره شرکت بود ولی کدمن، با بیان اینکه بر اساس قرارداد وزارت در یاداری، تمام اعضای هیئت مدیره بایستی بریتانیایی باشند، با این درخواست ایران مخالفت می کرد. بنابراین ایرانیان نیز از این درخواست خود صرف نظر کردند. اما خواهان ارائه پیشنهادی از سوی شرکت نفت شدند. چند هفته بعد، شرکت نفت طرح خود را به نام «پیشنویس توافقنامه سه ستاره»^{۶۰} ارائه کرد. که بر اساس آن ۲۵ درصد سهام به ایران تعلق می گرفت و در مقابل به مدت زمان قرارداد ۳۰ سال افزوده می شد. اما شرکت همچنان از دادن اجازه به کارشناسان ایرانی برای بررسی دفتر و اسناد شرکت اجتناب کرد.^{۶۱}

این مذاکرات به منظور تجدید نظر در کل قرارداد داری نبود، بلکه بیشتر بر تعیین پایه جدیدی برای محاسبه سود خالص شرکت، متمرکز شده بود. مذاکرات ابتدا در سوئیس و سپس در لندن پیگیری شد و بعد تیمورتاش و کدمن در پاریس همدیگر را ملاقات کردند. در این حین در ایران نخستین قانون مالیات بر درآمد نیز به تصویب رسید. شرکت نفت با توسل به ماده هفت قرارداد داری از پذیرش این قانون امتناع ورزید. اما در نهایت اعلام کرد که حاضر است چهار درصد سود شرکت را در صورت پذیرش تمام شرایط شرکت از سوی ایران به عنوان مالیات بپردازد. بنابراین این مذاکرات قرین موفقیت شد و در اواخر دی ماه ۱۳۱۰ (اوایل سال ۱۹۳۲) یک توافقنامه مقدماتی بین طرفین به امضا رسید که در بردارنده موارد ذیل بود:

۱. اعطای ۲۵ درصد سهام شرکت نفت انگلیس و ایران به ایران
۲. محاسبه میزان بدهی بر اساس تن
۳. تصفیه مطالبات ایران
۴. محدود نمودن و تعیین حوزه فعالیت شرکت نفت ایران - انگلیس
۵. فسخ امتیاز انحصاری خطوط لوله
۶. تاسیس شرکتی خاص با هر نوع روش دیگر به منظور بهره برداری از زمینهای نفت خیز غرب

60. Three Star draft Agreement

61. Nasrollah Saifpour Fatemi, *Diplomatic History of Persia 1917-1923* (New York: Russell F. Moore Company, 1952), p.158.

۷. تمدید حق بهره برداری بر اساس امتیازنامه‌ای جدید^{۶۲}

تیمورتاش برای اینکه شرکت نفت را برای پذیرش درخواست‌های ایران تحت فشار بگذارد به هنگام بازگشت از لندن به صورت ناگهانی وارد مسکو شد^{۶۳} تا از این طریق هشدار می‌دهد که شرکت نفت برای شکستن انحصار بهره‌برداری نفت ایران داده باشد. تیمورتاش به مدت دو هفته پشت درهای بسته با دولتمردان کرملین به گفتگو نشست و در نهایت نیز تیمورتاش پیشنهادی طرح افزایش سهم شوروی در کویر خوریان را آماده کرد. اما هدف تیمورتاش از این اقدام بیشتر بالا بردن قدرت چانه‌زنی ایران در برابر شرکت نفت بود تا اعطای امتیازی به شوروی.^{۶۴}

در هنگام حضور تیمورتاش در مسکو و استقبال گرم کرملین از وی، شایعاتی مبنی بر سرقت کیف اسناد بسیار محرمانه وی در تهران به سرعت انتشار یافت و گفته شد که این اسناد به توسط مأموران اطلاعات شوروی به سرقت رفته است.^{۶۵} اگرچه اسناد قابل قبولی از این ماجرا در دست نیست، ولی همین سفر تیمورتاش به مسکو در برکناری و قتل وی نقش بسزایی داشت، چرا که رضاشاه از نزدیکی بیشتر وی به شوروی به بهای رنجاندن بریتانیا به وحشت افتاده بود.^{۶۶}

در نهایت تیمورتاش در بازگشت به تهران در ۵ فروردین ۱۳۱۱ به کدمن اطلاع داد که این طرح توسط هیئت دولت با اندک تغییراتی مورد تصویب قرار گرفته است. در ادامه نیز افزود که بدون حمایت‌های شخص شاه امکان تصویب این طرح در هیئت دولت با مشکلات زیادی مواجه می‌شد.^{۶۷}

در لندن نیز وکلای دو طرف طرح موافقت‌نامه جدیدی که مبنی بر پرداخت حق الامتیاز به ایران بود را به همراه یک سند فرعی مبنی بر پرداخت ۱/۰۰۰/۰۰۰ لیره به ایران بابت تسویه مطالبات گذشته از شرکت نفت تهیه و به ایران ارسال کردند.^{۶۸}

در ۱۳ خرداد ماه شرکت نفت اعلام کرد که محاسبه درآمد و مخارج (ترازنامه) سال گذشته خود را به پایان برده است و براساس آن سهم ایران به کمتر از ۳۰۷,۰۰۰ لیره رسید. این در حالی بود که سهم ایران در دو سال گذشته به طور میانگین ۱,۳۶۲,۶۵۶ لیره بود و این کاهش شدید درآمد

۶۲ آژند و دیگران، سند شماره ۱۰۱، نامه تیمورتاش به سرجان کدمن. ص ۳۰۸.

63. Miron Rezun, *The Soviet Union and Iran, soviet policy in Iran from beginning of the pahlavi dynasty until the soviet invasion in 1941*. Geneva: Sijthoff & Noordhoff international publication, 1980. pp. 29-30.

64. Miron Rezun, p. 233.

65. Arfa, General Hassan, *Under five Shahs* (London: John Murray, 1954), p. 236.

۶۶ برای آگاهی بیشتر، نک: آبادیان، ص ۷.

67. FO. 371 / 16080 Teymouratche to Cadman, March 25. 1932.

68. FO. 371 / 16933 Concession Revision and Royalty Negotiations, APOC, April 1929-may 1932

برای دولت ایران به هیچ وجه قابل پذیرش نبود.^{۶۹} از این رو دولت ایران شدیداً به این امر اعتراض کرده و تیمورتاش آن را رد کرد، ولی از بیان مقدار قابل پذیرش نیز امتناع ورزید.^{۷۰} شرکت نفت رکود اقتصاد جهانی، کاهش قیمت نفت و کاهش تولید را سه دلیل عمده کاهش درآمدهای نفتی و در نتیجه باعث کاهش حق الامتیاز ایران عنوان می‌کرد.^{۷۱} این در حالی بود که تولید شرکت نفت نسبت به سال گذشته تنها ۵,۳ درصد کاهش یافته بود ولی حق الامتیاز دریافتی ایران حدود ۷۵ درصد تنزل یافت. از سوی دیگر سود شرکت نیز به نسبت سال گذشته تنها با ۳۶ درصد کاهش روبرو شده بود،^{۷۲} بدین ترتیب کاهش شدیدی که در عایدات ایرانیان نمودار شده بود به هیچ وجه قابل توجیه نبود.

از نظر دولت ایران این اقدام جز یک حرکت حساب شده برای بی‌اعتبار کردن دولت ایران که برای موازنه بودجه‌اش به عواید نفت احتیاج داشت، عمل دیگری نبود.^{۷۳} چرا که در این زمان ایران با دریافت سالیانه یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره که حدود ۲۰ درصد بودجه آن کشور را تشکیل می‌داد به شدت از این جهت آسیب پذیر بود.^{۷۴}

ایران نیز در مقام عکس‌العمل نسبت به این اقدام شرکت درخواست کرد تا به نمایندگان ایران اجازه داده شود به بررسی صورت حساب‌های شرکت بپردازند. همچنین به شرکت نفت اطلاع داد

۶۹ حق الامتیاز دریافتی ایران از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۱ بدین شرح بود.

۱۹۱۵ تا ۱۹۲۰ ۱/۰۰۰/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۰ ۴۶۹/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۱ ۵۸۵/۰۰۰ لیره

سال ۱۹۲۲ ۵۹۲/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۳ ۵۳۳/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۴ ۴۱۱/۰۰۰ لیره

سال ۱۹۲۵ ۸۳۱/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۶ ۱/۵۴۰/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۷ ۱/۴۰۰/۰۰۰ لیره

سال ۱۹۲۸ ۱/۳۱۰/۰۰۰ لیره سال ۱۹۲۹ ۱/۴۳۷/۰۰۰ لیره سال ۱۹۳۰ ۱/۲۸۸/۰۰۰ لیره

در سال ۱۹۳۱ نیز شرکت نفت با اعلام جمع کل عایدات خود به مبلغ سه میلیون و ششصد و نود و سه لیره، در حدود دویست و بیست هزارو ششصد و چهل و هشت لیره بابت حقوق روسای اولیه و در حدود ۸۴۹/۲۷۰ لیره بابت مالیات به دولت انگلیس کسر نمود و سهم ایران نیز به ۳۰۷/۰۰۰ لیره کاهش یافت.

مقایسه میزان مالیت پرداختی شرکت به دولت انگلیس با مبلغ حق السهم پرداختی به ایران خود می‌تواند یکی از علل نارضایتی دولتمردان ایران از امتیاز نامه و در نهایت سوزاندن آن باشد. به نقل از، ابوالفضل لسانی، *طلای سیاه یا بلای ایران* (تهران: چاپ مهر، بی تا)، ص ۳-۱۴۲.

70. FO. 371 / 16078 Cadman to Foreign Office, October 19, 1932.

۷۱. شرکت نفت برای بالا نگهداشتن قیمت نفت تصمیم گرفته بود از میزان استحصال نفت ایران بکاهد تا ایران را از این طرق

وادر به پذیرش شرایط خود نماید: Saifpour Fatemi, p. 151.

72. Fereidun Fesharaki. *Development of the Iranian Oil Industry: International and Domestic Aspects Praeger special studies in international economics and development*, (New York: Praeger, 1976), p.10.

۷۳. زرگر، ص ۲۹۶: 159. Saifpour Fatemi, p.

74. Elgin Groseglouse, *Introduction to Iran* (New York: Oxford University Press, 1947), p.140.

که توافقتنامه‌ی مقدماتی صورت گرفته بین نمایندگان طرفین در لندن نیاز به بررسی بیشتری دارد و برای روشن شدن برخی مواد آن خواهان ارسال نماینده‌ای از سوی شرکت نفت به ایران شد. شرکت نفت نیز در پاسخ به درخواست ایران اعلام کرد که توافقتنامه‌ی انجام گرفته بین طرفین توسط نمایندگان قانونی و حسابرس‌های دقیق صورت گرفته و در تمام موارد نیز درخواست‌های ایران در آن لحاظ شده از این رو لزومی به ارسال نماینده‌ی دیگری نیست. چرا که در این زمینه با مشکلات عدیده‌ای روبرو است. از این رو شرکت نفت پیشنهاد کرد که ایران نماینده‌ای را به لندن اعزام کند، در ادامه نیز از دولت ایران خواست تا مواردی را که برای ایران روشن نیست مشخص نمایند، ایران نیز متقابلاً به این درخواست شرکت پاسخی نداد.^{۷۵}

با حوادث پیش آمده بار دیگر مطبوعات ایران حملات خود را علیه شرکت نفت تشدید کرده آن را متهم به حساب‌سازی و غارت منابع ایران کردند.^{۷۶} در هشتم تیرماه نیز دولت ایران از پذیرش حق‌الامتیاز خود به دلیل ناکافی بودن آن امتناع ورزید. وزیر مختار بریتانیا از مضمون روزنامه‌های ایران در حمایت از الغای این قرارداد گزارشی به لندن ارسال داشت و در آن نسبت به انجام چنین اقدامی از سوی ایران ابراز نگرانی کرد.^{۷۷} این در حالی بود که تیمورتاش مسئولیت این اقدام مطبوعات ایران را متوجه جکز می‌کرد. اما با طولانی شدن مذاکرات بی‌نتیجه نفت از یک سو، و از سویی بن بست مذاکرات کلی با دولت انگلستان که همزمان تیمورتاش در آن مذاکرات نیز درگیر بود، باعث شد تا رضاشاه ادامه مذاکرات را از دست تیمورتاش خارج کرده و آن را به وزیر دارایی، تقی‌زاده، بسپارد. تقی‌زاده نیز به شرکت اطلاع داد که دولت ایران در حال بررسی ارائه‌ی پیشنهاد جدیدی است و در ۲۵ آبان ماه به جکز اطلاع داده شد که این پیشنهاد آماده شده و به‌زودی ارائه خواهد شد.^{۷۸} اما این پیشنهاد هیچ وقت ارائه نشد.

در ششم آذر ماه زمزمه‌های الغای قرارداد داری کمی کم به گوش رسید^{۷۹} و تقی‌زاده در نامه‌ای به جکز نوشت که امتیاز داری تأمین‌کننده‌ی منافع ایران نبوده و بایستی روابط طرفین بر بنیان جدیدی گذاشته شود که متضمن منافع واقعی ایران باشد. وی نیز در ادامه به مانند تیمورتاش، خاطر نشان

75. FO. Fraser to Stockholders, APOC, Stockholders Report, December 6, 1932.

76. FO. 371 / 16038 Cadman to Foreign Office, October 19, 1932.

77. Ibid

78. FO. 371 / 16078 Fraser to APOC Stockholders, November 4, 1932.

۷۹. درست روز قبل از لغو امتیازنامه داری، عصر روز شنبه ۵ آذرماه ۱۳۱۱، روزنامه اطلاعات با انتشار مقاله‌ای که در آن نویسنده مقاله نوشت «بقلب من الهام شده است عنقریب امتیازنامه داری لغو می‌شود» خبر لغو قرارداد را داد و فردای آن روز، نامه تقی‌زاده را مبنی بر الغای امتیازنامه به چاپ رساند.

کرده بود که دولت ایران نمی‌تواند «قانوناً و منطقاً» خود را در چهارچوب امتیازنامه‌ای محصور کند که پیش از استقرار نظام پارلمانی در ایران واگذار شده است. آنها شاهد توسعه شرکت نفت و به خطر افتادن منافع ایران در گذشته بوده‌اند و در حال حاضر نیز آمیدی برای نیل به اهداف خود از طرق مذاکره ندارند. از این رو تصمیم به لغو این امتیاز گرفته‌اند. این جمله نیز از سوی تیمورتاش به نامه اضافه شد: در صورتیکه شرکت نفت آمادگی خود را برای پذیرش خواست‌های ایران اعلام کند، آنها نیز متقابلاً مایل به اعطای امتیاز جدیدی به شرکت نفت هستند.^{۸۰}

جکز نیز در نامه خود به دفتر شرکت در لندن نوشت که وی اطمینان دارد خود شاه چنین تصمیمی را اتخاذ کرده است.^{۸۱} دو هفته پس از آن دولت ایران در بیان علت لغو این قرارداد به فلسفه اخذ این قرارداد در دوره پیش از نظام مشروطه اشاره کرده، علاوه بر آن میزان حق‌السهم پرداختی به ایران و همچنین عدم استخراج کامل نفت توسط شرکت نفت را از جمله دلایلی بر شمرده که در لغو آن دخیل بوده‌اند.^{۸۲}

از سوی دیگر وزیر مختار بریتانیا در تهران نیز در گزارش خود به لندن نوشت در حال حاضر موقعیت بی‌رقیب تیمورتاش در کابینه دچار تزلزل شده و مقام وزارت دربار اهمیت خود را از دست داده است. وی نیز در ادامه نامه همانند جکز، مسئولیت اقدام ایران در لغو یکجانبه قرارداد داری را تنها متوجه خود شاه دانست.^{۸۳}

با اعلان خبر الغای امتیاز داری در ایران مردم به جشن و شادی پرداختند، روزنامه‌ها، از جمله روزنامه نیمه دولتی *ایران*، در گزارشی نوشت که «از قرار راپورت‌های واصله از نظر وصول خبر الغای قرارداد داری اهالی ولایات کلاً با نهایت شغف و سرور مقدم به انعقاد مجالس جشن و چراغانی در شب گذشته شده‌اند و امشب نیز مجالس با شکوهی تهیه شده و چراغانی خواهد بود و یک نوع احساسات طبیعی جالب توجهی در اهالی دیده می‌شود»^{۸۴} و بدین گونه در تحسین این اقدام متهورانه شاه مقالاتی را منتشر کردند. حتی روزنامه *ایران* با یادآوری ۲۸ رجب، سالروز مبعث پیامبر، و تقارن آن با روز الغای قرارداد داری، این واقعه را نشان «عملی بزرگ در تاریخ خواند که یادگارهای شوم گذشته را» نابود کردند.^{۸۵} بهرغم اینکه تیمورتاش منکر هرگونه دخالت دولت در تهییج مردم شد،

80. FO. 371 / E 6709 / 3880/ 34 Hoare to Simon, December 19, 1932.

81. FO. 371 / 16079 Jacks to APOC, November 23, 1932.

82. A. C. MillsPaugh, *the Persian - British Oil Dispute* (London: Foreign affair, 1933), p. 521.

83. FO. 371 / 16078 Hoare to Foreign Office, November 29, 1932.

۸۴. روزنامه *ایران*، پنجشنبه، ۱۰ آذر ماه ۱۳۱۱، شماره ۳۹۶۶.

۸۵. روزنامه *ایران*، سه شنبه، ۸ آذر ماه ۱۳۱۱، شماره ۳۹۶۴.

ولی هوآر نظر دیگری داشت.^{۸۶}

در پی انتشار خبر لغو این امتیاز، دایره شرقی وزارت خارجه بریتانیا به سرعت جلسه‌ای تشکیل داد تا سیاست دولت بریتانیا در قبال این اقدام ایران را هماهنگ کند. سر جرج رندل^{۸۷} دبیر اول بخش شرقی وزارت خارجه، نظر مشاوران وزارتخانه را نسبت به اقدام ایران جویا شد و آنان در پاسخ گفتند که در قرارداد ماده‌ای برای الغای یکجانبه امتیاز قبل از سر رسید موعد آن (به سال ۱۹۶۱) گنجانده نشده و اقدام ایران در لغو قرارداد از پشتوانه قانونی برخوردار نبوده، به همین دلیل می‌توان آن را در دادگاه لاهه مطرح کرد.^{۸۸}

در همین نشست بحث‌هایی نیز در ارتباط با دلایل الغای قرارداد از سوی ایران در گرفت و حاضران این مسأله را به مذاکرات همه جانبه‌ای که پیشتر به بن بست رسیده بود و همچنین به مسأله جزیره هنگام که ایران خواهان تخلیه آن از سوی نیروی دریایی بریتانیا بود، مربوط می‌دانستند. وزیر مختار بریتانیا در تهران نیز طی نامه‌ای به وزارت خارجه خواست در صورتی که ایران همچنان بر خواست خود در لغو قرارداد پافشاری نماید، پیشنهاد می‌شود وی در تهران اقدامات ذیل را به مرحله اجرا گذارد:

۱. وی برحسب دستور وزارت خارجه، از ایران بخواهد از تصمیم خود در الغای قرارداد عقب نشینی نموده و یک تضمین کتبی در عدم دخالت در تداوم عملیات شرکت ارائه نماید.
۲. وی بایستی در دیدار شاه با ذکر غیر قانونی بودن اقدام ایران، ارجاع این مسأله به جامعه ملل را گوشزد نماید.
۳. بخش‌های آماده اسکادران هند شرقی بایستی به سوی سواحل خلیج فارس حرکت کرده و نیروهای هندی نیز در حالت آماده باش درآیند، و تمام این اقدامات بایستی با تبلیغات توأم باشند.
۴. اگر در طی ۱۴ روز تقاضای ما همچنان بر آورده نشد، آنگاه موضوع را به جامعه ملل ارجاع می‌دهیم.^{۸۹}

پیشنهادهای هوآر در نشست دایره شرقی وزارت خارجه نیز مطرح و برخی موارد آن از جمله

86. FO. 371 / 16080 Hoare to Simon, November 30, 1932 and FO, 371/ 16967 Hoare to Foreign Office April 22, 1932.

87. Sir George Rendel

88. FO. 371 / 16078 Beckett Memorandum, November 29, 1932.

89. FO. 371 / 16078 Hoare to Foreign Office, November 29, 1932.

بخش مربوط به اعزام اسکادران هند شرقی به سوی خلیج فارس به نشست کابینه نیز ارجاع شد.^{۹۰} ولی در جلسه کابینه این موضوع رد و اعلام شد که ناوگان بریتانیا در موقعیتی است که در صورت نیاز می‌تواند سریعاً به منطقه اعزام شود.

در این میان دولت بریتانیا نیز با ارسال نامه اعتراضی رسمی به دولت ایران، از تهران خواست تا از تصمیم خود در الغای قرارداد سریعاً عقب‌نشینی کند.^{۹۱} در ادامه نیز آمده بود که دولت بریتانیا در قبال وارد آمدن هرگونه خسارتی به تأسیسات کمپانی و منافع آن از خود شکیبایی نشان نخواهد داد.^{۹۲} زمانی که هوآر یادداشت وزارت خارجه را به دولت ایران تسلیم کرد، فروغی در گفتگو با وی از عکس‌العمل شدید بریتانیا ابراز تعجب و خاطر نشان کرد: دولت متبوع وی پیشتر نیز اعلام کرده که آماده اعطای یک امتیاز جدید به شرکت نفت است. اما وزیر مختار بریتانیا نیز در پاسخ وی اعلام کرد که اولین قدم برای رسیدن به یک توافق جدید پس گرفتن الغای قرارداد داری است.^{۹۳}

دلایل لغو قرارداد داری

پیش از پرداختن به علل الغاء قرارداد از سوی رضاشاه بایستی چند نکته را مد نظر قرار داد: یکم: رضاشاه قبل از آغاز مذاکره با بریتانیا، با شوروی‌ها به نوعی تفاهم رسیده بود. یعنی در رقابت بین شوروی و انگلستان، شوروی خود را جلوتر از انگلستان می‌پنداشت. دوم: در این دوره نیز تنها منبع مطمئن تجارت خارجی ایران، حق‌الامتیازی بود که از شرکت نفت دریافت می‌شد و بودجه ایران نیز بر اساس درآمدهای نفتی بسته می‌شد. سوم: مذاکرات همه جانبه تیمورتاش با بریتانیا بر سر مسائل معوقه، علی‌الخصوص در ارتباط با خلیج فارس، نیز به بن‌بست رسیده بود. در نتیجه تلاش‌های شش ساله تیمورتاش در مذاکره با بریتانیا هیچ دستاورد پایداری برای ایران در پی نداشت. چهارم: شرکت نفت نیز خواهان تجدید نظر در قرارداد بود تا بتواند از این طریق، مدت این قرارداد را افزایش دهد.

در ۱۰ مهرماه ۱۳۱۲ سفیر ایران در لندن، طی نامه‌ای به روزنامه‌تایمز انگلیس، علت اقدام ایران را استتکاف شرکت نفت از اعزام نماینده خود به ایران به منظور روشن ساختن برخی از مواد

90. FO. CAB 23 / 73 Cabinet Conclusions 64(132) 3, November 30, 1932.

91. FO. 371 / 16078 Foreign Office to Hoare, December 1, 1932.

92. Rouholla K. Ramzani, *The foreign policy of Iran. A Developing Nation in Word Affair: 1500- 1941* (Charlottesville: press of Virginia, 1966), p. 251.

93. FO. 371 / 16078 Hoare to Foreign Office, December 5, 1932.

پیشنویس موافقتنامه لندن اعلام کرد، که برای شش ماه دولت ایران را در بلا تکلیفی گذاشته و از ارائه پاسخ مناسب طرفه رفته است. در این میان وزیر دارایی ایران نیز، با حضور در مجلس شورای ملی، در بیان علت لغو قرارداد، خودداری شرکت نفت از مذاکره با دولت ایران را دلیل آن مطرح کرد.^{۹۴}

تمام این سخنان بیشتر بهانه‌ای برای الغای قرارداد بودند تا بیان‌کننده دلیل واقعی آن. اگرچه نمی‌توان در این میان ناراحتی شاه از طولانی شدن مذاکرات و کاهش شدید درآمد ایران از حق الامتیاز نفت را نادیده انگاشت^{۹۵} که باعث شد او مذاکرات را از دست تیمورتاش خارج کند، ولی مخالفت شرکت نفت با هرگونه تغییر مورد درخواست ایران در بخش مدیریت و بررسی ترازنامه‌های شرکت، باعث شد تا تقی‌زاده نیز نتواند در ادامه مذاکرات به موفقیتی دست یابد.

جنبه مالی این مسأله مهمترین علت لغو قرارداد بود. در واقع هرچند قرارداد داری برای ایرانیان یادآور روزهای ناخوشایند گذشته آنان بود، ولی برای رضاشاه درآمد حاصل از حق الامتیاز بسیار مهم و با ارزش بود. لذا کاهش حق الامتیاز سال ۱۳۱۱ علت خشم رضاشاه و عکس‌العمل وی بوده است و وی با لغو نمایشی^{۹۶} قرارداد در پی آن بود تا یک راه حل سریع و مناسب را برای برون‌رفت از این بن‌بست پیدا کند. وقتی که وی دستور داد امتیاز داری را لغو کنند، هیچ یک از وزرا جرأت مخالفت با وی را نداشتند. آنچه را که رضاشاه بدان فکر نکرده بود، احتمال مداخله دولت بریتانیا در این ماجرا بود. وی چند ماه بعد در گفتگو با کدمن از این اندیشه ناپخته خود سخن به میان آورد و از شدت عمل دولت بریتانیا در این مورد ابراز تعجب کرد و افزود که هدف وی از لغو این قرارداد تنها به منظور امضای قرارداد جدیدی بوده و به هیچ وجه قصد نداشته بهره‌برداری از میادین نفتی ایران را به شرکت دیگری واگذار کند. در ادامه نیز افزود که تنها نگرانی ویرپال بابت شرایط مالی پیشنهادی است.^{۹۷}

در سال ۱۳۱۱ سه مسأله اساسی در روابط بین ایران و شرکت نفت سایه گستر شده بود که عبارت بودند از:

موضوع نخست در ارتباط با قرائت‌های مختلف طرفین از ماده ۱۰ قرارداد بود، که بر اساس

۹۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس، دوره هشتم تقنینیه، مطبوعه مجلس، جلسه سه شنبه ۴ مرداد ۱۳۱۱، ص ۱۴۲۰.
95. Shwadrان, p. 51.

۹۶. هدایت شرح جالبی از چگونگی لغو قرارداد و سوزاندن آن توسط رضاشاه ارائه می‌دهد؛ مهدیقلی مخبرالسلطنه هدایت، *خاطرات و خطرات* (تهران: کتابفروسی زوار، ۱۳۴۴)، ص ۳۵۹.

97. J. M. Balfour, *Recent Happening in Persia* (Edinburgh: Burman Press, 1922), p 135.

آن ایران بایستی ۱۶ درصد از سود خالص سالیانه شرکت نفت و تمام شرکت‌های وابسته به آن و شرکت‌هایی که تأسیس می‌شدند را دریافت می‌کرد. ایران این ماده را شامل تمام شرکت‌هایی که در ایران و یا در «خارج» از ایران تأسیس می‌شدند تفسیر می‌کرد. مسأله دوم مربوط به قرارداد آرمیتاژ اسمیت بود که ایران از تأیید آن خودداری می‌نمود.^{۹۸} مسأله سوم در ارتباط با خسارت‌های بود که در زمان جنگ جهانی اول از طرف اعراب خوزستان به لوله‌های نفت وارد شده بود. شرکت نفت، دولت ایران را بر طبق ماده ۱۴ قرارداد مسئول حفاظت از دارایی‌های شرکت می‌دانست. این در حالی بود که دولت ایران نیز ضمن رد این ادعا، شرکت نفت را که به طور مستقیم با شیوخ و خوانین محلی و بدون اطلاع دولت مرکزی ایران وارد قراردادهایی شده بود، مسئول مستقیم تأمین امنیت برای فعالیت‌های شرکت نفت می‌دانست. بنابراین در این ارتباط دولت ایران خود را از هرگونه مسئولیتی مبرا می‌دانست. از این جهت عدم پرداخت حق الامتیاز را غیرقانونی و خواهان ارجاع این مسأله به حکمیت بود. این سه مورد، هسته اصلی درخواست‌ها و شکایت‌های طرفین و بیانات نمایندگان آنها در برابر جامعه ملل بود. با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه‌های مطرح شده را بدین گونه دسته‌بندی نمود:

نخستین فرضیه این است که تمام این اتفاقات یک بازی از پیش طراحی شده از سوی بریتانیا بود که رضاشاه نیز به عنوان بازیگر آن نقش خود را به خوبی ایفا کرد و در آخر نیز تن به امضای قراردادی به مراتب بدتر از قرارداد داری داد. اما این فرضیه به هیچ وجه با حوادث تاریخی همخوانی ندارد، چرا که مستلزم اثبات دست‌نشاندهی و اطاعت محض رضاشاه و تیمورتاش از سیاست‌های بریتانیا است. در صورتی که چنین امری چندان که مبتنی بر استنادهای دقیق باشد، قابل اثبات به نظر نمی‌رسد و مدارک موجود نیز بر چنین امری صحنه نمی‌گذارد. همچنین بر فرض وابستگی رضاشاه به بریتانیا، این پرسش مطرح می‌شود که چرا در مسائل دیگری چون خلیج فارس که برای بریتانیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، گفتگوهای طولانی مدت بین طرفین به نتیجه دلخواه بریتانیا منتهی نشد؟

فرض دیگر این است که با وابستگی شدید ایران به درآمدهای نفتی برای پیشبرد اصلاحات نظام نوین، به‌ویژه در بخش نظامی، می‌توان چنین پنداشت که رضاشاه با مشاهده کاهش شدید درآمدهای ایران از حق الامتیاز خواهان لغو قرارداد شد. اولیفات نیز در یادداشت خود می‌نویسد: «به نظر من شاه - که نسبت به جیب خود حساسیت خاصی دارد - عمدتاً به‌خاطر کاهش شدید عواید

ناشی از حق الامتیاز، علیه شرکت نفت تهییج شده و چنین عکس‌العملی نشان داد.^{۹۹} در این صورت می‌توان فرض دیگری را نیز مطرح کرد؛ مبنی بر اینکه شرکت نفت و دولت بریتانیا با آگاهی کامل از بنیان‌های اقتصادی ایران و با اطلاع از وابستگی آن کشور به درآمدهای نفتی از سویی و اشاراتی که در روزنامه‌های ایران در آن هنگام به لغو قرارداد می‌شد از سوی دیگر، به منظور پیشبرد طرح خود برای تمدید قرارداد داری که مدت زمان آن رو به اتمام بود، با جعل حساب‌های ساختگی و با ارائه مبلغ ناچیزی به ایران، رضاشاه را به صورت غیرمستقیم در تصمیم خود برای الغای قرارداد یاری کرد. چرا که در نهایت لغو این قرارداد فقط به سود شرکت نفت به اتمام رسید و مدت آن تمدید شد. روایت مصطفی فاتح از این حادثه قابل تأمل است:

رضاشاه برنامه‌های عمرانی متعددی در دست داشت که تکمیل آنها به منابع منظم ارزش را ایجاد می‌کرد. پنج سال مذاکره با شرکت نفت به نتیجه مطلوب نرسیده بود. خبر نقصان عواید سال ۱۹۳۱ به قدری رضاشاه را عصبانی کرد و او را تحت تاثیر احساسات شدید قرارداد که دستور لغو امتیاز داری را بی‌مطالعه صادر کرد و از عواقب آن نیندیشید.^{۱۰۰}

طرح مسأله نفت در جامعه ملل

به هر حال پس از لغو قرارداد داری، دولت بریتانیا مسأله را در جامعه ملل نیز مطرح کرد. اگرچه برخی از اعضای وزارت خارجه بریتانیا چون ونیستارت^{۱۰۱} منشی دائم وزارتخانه، با استدلال اینکه احاله موضوع به شورای جامعه ملل باعث طولانی شدن روند حل مسأله می‌شود و در این مدت ایران ممکن است مسائل جدیدی را به وجود آورد مخالف بودند.^{۱۰۲} با وجود این، کار حل و فصل مسأله طرفین به دیوان بین‌المللی لاهه احاله شد. در حالی که ایران این مسأله را یک امر داخلی می‌دانست که بین دولت ایران و یک شرکت روی داده است، اما نمایندگان طرفین برای دفاع از مدعیات خود در برابر شورای جامعه ملل حاضر شدند. ولی از آن جامعه مللی که تحت نفوذ انگلستان بود و آمریکا و شوروی در آن شرکت نداشتند، جز این انتظار نمی‌رفت که به نفع انگلستان اظهار نظر کند.^{۱۰۳} ابتدا نماینده بریتانیا، جان سیمون، در سخنانی نه چندان مستدل و حقوقی بیشتر بر این

99. FO. 371 / 16078 Oliphant minute, November 29, 1932.

۱۰۰. فاتح، ص ۲۳۹.

101. Vansittart

102. Peter J. Beck, "The Anglo-Persian Oil Dispute 1932-33," *Journal of Contemporary History*, Vol. 9, No. 4, (Oct. 1974), pp. 123.

۱۰۳. فرمانفرمایان، ص ۴۵۱.

نکته تاکید کرد که اقدام ایران غیر قانونی بوده و به خاطر عدم دسترسی شرکت به محاکم ایران مجبور شده‌اند، این مسأله را در شورای جامعه ملل مطرح کنند.

در مقابل نماینده ایران، علی اکبر داور، نیز نتوانست از موضع ایران دفاع قابل قبولی ارائه کند. وی به جای اینکه با ارائه مدارک پنج سال گفتگو با شرکت نفت و عدم موافقت شرکت با پیشنهادهای مکرر ایران، به تقویت موضع کشورش اقدام کند، در دفاعی ضعیف به ایرادات نماینده بریتانیا پاسخ گفت و از ایراد هر گونه اتهامی بر شرکت و یا دولت بریتانیا خودداری کرد. گویا وی از تهران دستور داشته است از ابراز هر گونه سخنی که باعث وخیم‌تر شدن اوضاع شود بپرهیزد، چرا که وی سال‌ها بعد در ارتباط با این دفاعیات ضعیف خود گفته بود که «هیچگاه سخنرانی ضعیف و سستی به مانند سخنرانی که در برابر شورای جامعه ملل بیان داشت، ایراد نکرده بوده است.»^{۱۰۴} در نهایت جامعه ملل بدون بررسی بیشتر، طرفین را به مذاکره بیشتر فراخواند و کمیته‌ای را به سرپرستی دکتر بنش^{۱۰۵} وزیر خارجه چکسلواکی، مامور رسیدگی به این مورد کرد. وی نیز پیشنهاد کرد طرفین برای رسیدن به یک توافق مرضی‌الطرفین گفتگوها را از سر بگیرند.^{۱۰۶} در نهایت با سفر سرجان کدمن به ایران و مذاکره با رضاشاه این مسأله با امضای قرارداد ۱۹۳۳ به پایان رسید.

قرارداد ۱۹۳۳

پس از آنکه رضاشاه تیمورتاش را از مذاکرات مربوط به نفت کنار گذاشت، در ششم دی‌ماه ۱۳۱۱ وی را رسماً از تمام مسئولیت‌هایش نیز برکنار کرد. بدین ترتیب بود که رضاشاه تمام روند مربوط به مذاکرات نفت را بر عهده گرفت تا از رویارویی مستقیم با انگلستان به خاطر مقاومت‌های تیمورتاش اجتناب شود. از این دیدگاه می‌توان ضعف دفاعیات داور در برابر شورای جامعه ملل را نیز توجیه کرد. چرا که رضاشاه در ذهن خود تصمیم به امضای قرارداد جدیدی با انگلستان گرفته بود، از این جهت لزومی به تشدید مسأله با انگلستان احساس نکرد. البته این بدان معنا نیست که رضاشاه از آغاز مذاکرات قصد تمدید مدت قرارداد با شرایط قرارداد ۱۹۳۳ را داشته است؛ بلکه روند مذاکرات طولانی شدن آن و در نهایت عکس‌العمل شدید دولت بریتانیا چاره‌ای برای وی باقی نگذاشته بود. در نهایت نیز با سفر سر جان کدمن به ایران برای ادامه مذاکرات پس از سقوط تیمورتاش، این خود

104. Saifpour Fatemi, p 175.

105. Edward Benes

106. Malek Mohammad. "Oil in Iran between the Two World Wars" http://www.iranchamber.com/history/articles/oil_iran_between_world_wars.php (accessed 20/6/2010).

رضاشاه بود که در دیدار نهایی با وی به امضا قرارداد ۱۹۳۳ تن داد. سالها بعد تقی‌زاده طی نطقی در مجلس پانزدهم با اشاره به قرارداد، دربارهٔ زمانی که نمایندگان بریتانیا در مذاکره با نمایندگان ایران به نتیجه دلخواه نرسیدند، چنین بیان کرد:

[نمایندگان بریتانیا] تهدید به قطع مذاکرات و حرکت فوری از ایران کردند و شد آنچه شد یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب الاختیار بآن راضی نبودیم و بی‌اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم. و حقیقت مسأله عیان است و حاجت به بیان ندارد و می‌دانند که برای کسی در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود و نه مفید او هم ظاهراً از عاقبت کار اندیشه کرد و حاضر به عقب رفتن و پس گرفتن حکم نسخ امتیاز سابق هم به‌هیچوجه نبود و شق ثالث هم وجود نداشت... من شخصاً هیچوقت راضی به تمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده، بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد او خود هم راضی به تمدید مدت نبود.^{۱۰۷}

این سخنان تقی‌زاده نیز دلالت بر تصمیم خود شاه در اعطای قرارداد ۱۹۳۳ دارد. این قرارداد توسط اکثر نویسندگان ایرانی محکوم شد و امضای آن را پیروزی بزرگی برای شرکت نفت محسوب کردند تا از برای رضاشاه. اگرچه جای تردیدی نیست که این قرارداد به ضرر ایران بود ولی نکته‌ای که بایستی توجه کرد، امکانات و ابزارهایی بود که ایران در اختیار داشت. در واقع انگلستان حاضر بود در صورت مقاومت بیشتر ایران، به نیروی نظامی نیز متوسل شود. اما به خاطر شرایط بین‌المللی و از سویی به خاطر ترس از دخالت شوروی که در قرارداد ۱۹۲۱ مجوز ورود به ایران را دریافت کرده بود، از این اقدام خودداری می‌کرد ولی در صورتی که مقاومت ایران تداوم می‌یافت، انگلستان نیز در حال انتظار نمی‌ایستاد.

نتیجه‌گیری

مدارک و شواهد حاکی از آن است که بحث تجدید نظر در قرارداد داری منحصر به دورهٔ حکومت پهلوی اول نبوده و این بحث در دورهٔ قبل از روی کار آمدن رضاشاه نیز مطرح بوده است. اما در این دوره، وی ضمن حذف قدرت‌های موازی با حکومت مرکزی، به دولت‌های خارجی فهماند که

۱۰۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره پانزدهم، جلسه ۳۸، پنجشنبه هفتم بهمن ۱۳۲۷ (تهران: مطبعه مجلس،

از این پس دولت مرکزی طرف مذاکره با آنان خواهد بود. از این رو، در راستای این سیاست و به منظور تقویت قدرت چانه‌زنی ایران در برابر انگلستان، تیمورتاش به عنوان نماینده ایران به روسیه مسافرت کرد. تا ضمن حل مسائل بوجود آمده با آن کشور، روسیه را در جبهه خود داشته باشد. چرا که در این دوره مسائل اصلی ایران با انگلستان بود، که مذاکرات مربوط به نفت از مهمترین آنها به حساب می‌آمد. روند این مذاکرات گویای آن است که هدف اولیه از این مذاکرات تمدید مهلت قرارداد داری نبود و تیمورتاش در مذاکرات متعدد خود با نمایندگان شرکت نفت در پی آن بود تا ضمن محدود کردن حوزه شرکت در ایران، شرکت‌های جدیدی را نیز وارد ایران کند. از طرفی با سهام‌دار کردن ایران در شرکت و گماردن نماینده‌ای در هیئت مدیره آن، بر حساب‌های شرکت نیز نظارت کند. اما مقاومت سرسختانه تیمورتاش در مذاکرات کلی با انگلستان و به‌خصوص در ارتباط با مسأله نفت، دولتمردان انگلیس را متقاعد کرد که این مذاکرات آنان را به هدف خود که تمدید قرارداد داری برای ۶۰ سال دیگر بود، رهنمون نخواهد کرد. به‌خصوص که تیمورتاش در آخرین دور از مذاکرات خود با کدمن که در لوزان برگزار شد، بیان کرد که دولت ایران به کمتر از ۲۵ درصد از سهام شرکت راضی نخواهد شد؛ امری که پذیرش آن برای دولتمردان انگلیس غیر قابل قبول بود. در نهایت اعلام کاهش شدید درآمد ایران از بابت نفت، رضاشاه را متقاعد کرد که مذاکرات چندین ساله تیمورتاش نه تنها هیچ سودی برای ایران نداشته است، بلکه ادامه این روند ممکن است به رویایی نظامی آن کشور با انگلستان منجر شود. از سوی دیگر نزدیکی بیش از اندازه تیمورتاش به رهبران شوروی، به منظور استفاده از آنان به عنوان ابزاری در جهت تعدیل سیاست‌های بریتانیا، که از نظر رضاشاه برای دولت ایران که هنوز از نظر مالی به انگلستان وابسته بود، نامساعد به نظر می‌رسید. در واقع استفاده از روسیه در بازی با دیپلماسی بریتانیا یکی از دلایلی بود که هم رضاشاه و هم دولت انگلستان را واداشت تا در برابر تیمورتاش موضع سختی را اتخاذ کنند. از این رو، با درک این مسأله و با سفر کدمن به ایران و انجام مذاکره مستقیم با رضاشاه، قرارداد ۱۹۳۳ که بیشتر برآورنده نقطه نظرات انگلستان بود، به امضا رسید.

کتابنامه

- آبادیان، حسین. «عبدالحسین تیمورتاش و روابط خارجی ایران بر اساس اسناد نو یافته». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ ایران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳، پیاپی ۶۱/۵. تابستان ۱۳۸۸. ص ۲۲ - ۱.
- آزند، یعقوب و دیگران. اسناد نفت در دوره رضاشاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)،

- اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- روزنامه اطلاعات. شنبه ۵ آذرماه ۱۳۱۱.
- روزنامه ایران. پنج شنبه. ۱۰ آذر ماه ۱۳۱۱. شماره ۳۹۶۶.
- روزنامه ایران. سه شنبه. ۸ آذر ماه ۱۳۱۱. شماره ۳۹۶۴.
- زرگر، علی اصغر. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه. ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات پروین و انتشارات معین، ۱۳۷۲.
- زرگری نژاد، غلامحسین. «تیمورتاش: قربانی منافع ایران در خلیج فارس.» مجله تاریخ، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۴، اسفند ۱۳۸۴. ص ۱۴۰ - ۱۱۹.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس، دوره اول تقنینیه. تهران: ضمیمه روزنامه رسمی، ۱۳۲۴.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس، دوره هشتم تقنینیه. تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۱۱.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس، دوره پانزدهم قانون گذاری. تهران: ضمیمه روزنامه رسمی، ۱۳۲۷.
- فاتح، مصطفی. پنجاه سال نفت ایران. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸.
- فرمانفرمایان، منوچهر. از تهران تا کاراکاس، نفت و سیاست در ایران. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۳.
- کتاب سفید - تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران. با پیش گفتاری از محمدرضا پهلوی و منوچهر اقبال. تهران: شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴.
- لسانی، ابوالفضل. طلای سیاه یا بلای ایران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- مخبرالسلطنه هدایت، مهدیقلی. خاطرات و خطرات. تهران: کتابفروسی زوار، ۱۳۴۴.
- Arfa, General Hassan. Under five Shahs. London: John Murray, 1954.
- Balfour, J.M. Recent Happening in Persia. Edinburgh: Burman Press, 1922.
- Beck, J Peter. "The Anglo-Persian Oil Dispute 1932-33." Journal of Contemporary History. Vol. 9, No. 4. Oct. 1974.
- Bryan, William. The economics of the anglo-iranian oil dispute. Madison: university of Wisconsin, 1957.
- CAB (British Archival Material: Cabinet Office). 16 / 54 Committee For Imperial Defense Sub-Committee, Report 227-C, February 25, 1924.
- _____. 16 / 54 Report of Committee for Imperial Defence Sub-Committee on Protection of South Persian Oil Fields, July 7, 1924.
- _____. 19 / 54 Minute of First Meeting Of Committee of Imperial Defence, Committee on the Protection of the South Persian Oil Fields, May 29, 1924.
- _____. 21/ 119 Hankey to Balfour, August 1, 1918.
- _____. 24 / 117 admiralty Memorandum for the CAB, Cp 2377, December 24,

1920.

Fesharaki, Fereidun. Development of the Iranian Oil Industry: International and Domestic Aspects Praeger special studies in international economics and development. New York: Praeger, 1976.

FO (Foreign Office). 371/ 16967 Hoare to Foreign Office April 22, 1932.

_____. 37 / 16078 Hoare to Foreign Office, November 28, 1932.

_____. 371/ 11476 Lorain to Oliphant, June 1, 1926.

_____. 371 / 16038 Cadman to Foreign Office, October 19, 1932.

_____. 371 / 16078 Beckett Memorandum, November 29, 1932.

_____. 371 / 16078 Foreign Office to Hoare, December 1, 1932.

_____. 371 / 16078 Fraser to APOC Stockholders, November 4, 1932.

_____. 371 / 16078 Hoare to Foreign Office, December 5, 1932.

_____. 371 / 16078 Hoare to Foreign Office, November 29, 1932.

_____. 371 / 16078 Hoare to Foreign Office, November 29, 1932.

_____. 371 / 16078 Oliphant minute, November 29, 1932.

_____. 371 / 16078 Cadman to Foreign Office, October 19, 1932.

_____. 371 / 16078 Codman to Foreign Office, October 19, 1932.

_____. 371 / 16079 Jacks to APOC, November 23, 1932.

_____. 371 / 16080 Hoare to Simon, November 30, 1932

_____. 371 / 16080 Teymourache to Cadman, March 25. 1932.

_____. 371 / 16933 Concession Revision and Royalty Negotiations, APOC, April 1929-may 1932

_____. 371 / 16933 Concession Revision and Royalty Negotiations, APOC, April 1929-May 1932.

_____. 371/ 9051 Lorain to Curzon, July 16, 1923.

_____. 371 / E 6709 / 3880/ 34 Hoare to Simon, December 19, 1932.

_____. 371/ 16078 Note on Armitage-Smith Agreement, Foreign Office, October 19, 1932

_____. 371/ 16078 Note on Armitage-Smith Agreement, October 19, 1933.

_____. 371/ 16080 For the Text of Taqizadeh`s Letter, see Minister of Finance to APOC, November 27, 1932.

_____. 371/ 16933 Jackson Memorandum, January 17, 1933.

- _____. 416 / 113 Clive to Henderson, April 30, 1930.
- _____. 416 / 113 Clive to Henderson, July 14, 1929.
- _____. 416/ 113 Hoare to Foreign Office, June 12, 1932.
- _____. CAB 23 / 73 Cabinet Conclusions 64(132) 3, November 30, 1932.
- _____. Fraser to Stockholders, APOC, Stockholders Report, December 6, 1932.
- Groseglose Elgin. Introduction to Iran. New York: Oxford University Press, 1947.
- Ford, Alan W. The Anglo-Iranian Oil Dispute of 1951-1952. A study of the Role of law in the Relations of States. London: Cambridge university press, 1954.
- Malek, Mohammad "Oil in Iran between the Two World Wars." http://www.iranchamber.com/history/articles/oil_iran_between_world_wars.php (accessed 20/6/2010).
- Martin, Vanessa. Oil in Iran Between the Two World War, Anglo-Iranian Relations since 1800. London: Routledge, 2005.
- Memorandum Reviewing Negotiations between the Company and the Persian Government Concerning Revision of the Concession and Royalty from April 1929 to May 1932.* London: Anglo-Persian Oil Company Limited, January 8, 1933.
- Mohr, Anton. The oil war. New York: Harcourt, Brace and Company, 1926.
- Mosley, Leonard. Power play, The Tumultuous World of Middle East Oil 1890-1973. London: Willmer Brother, 1973.
- Ramzani, Rouholla. The foreign policy of Iran. A Developing Nation in Word Affair: 1500- 1941. Charlottesville: press of Virginia, 1966.
- Rezun, Miron. The Soviet Union and Iran, soviet policy in Iran from beginning of the pahlavi dynasty until the soviet Invasion in 1941. Geneva: Sijthoff & Noordhoff international publication, 1980.
- Saifpour Fatemi, Nasrollah. Diplomatic History of Persia 1917-1923. New York: Russell F. Moore Company, 1952.
- Shwadran, Benjamin. The Middle East, Oil and the Great Powers. Jerusalem: Israel university press, Second Printing 1974.